



رُوزنامه سیاسی کشور شاهنشاهی ایران

شامل : متن فواین - تصویب‌نامه‌ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
سؤالات - اخبار سیاسی - فرمانی - انتصابات - آئین نامه‌ها - بخش نامه‌ها - آگهی‌های رسمی

شماره تلفن: ۰۴۴۸-۸۸۹۶ - ۸۸۹۵ - ۸۸۹۴

۱۳۲۶ شهریور ماه ۱۱ شنبه

مدیر سید محمد هاشمی

سال سوم - شماره ۷۲۹

صفحه ۱۹۰۹

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره متنی ۱۴۹۱

روزنامه یومیه

فهرست مذکور جات

۱	- صورت مشروح مذاکرات بازدیدهای مجلس دوره بانزدهم از صفحه ۱۱ تا ۱۱
۲	> - اخبار مجلس
۳	> - تصویب‌نامه
۴	- آگهی‌های رسمی

ذیل : دکتر طبا - دکتر امینی - ابوالفتح فهرمان
اسمعیل ظفری - اورنلش - بانمانقلیجع - حسن اکبر -
جواد گنجه‌نی - صفا امامی - سید علی بهمنی -
نصرالله لاهوتی و کامل ماکوئی بحکم فرهنگ انتخاب
شدند که بااتفاق هیئت رئیسه شرفیاب شوند .
آقای دکتر شفیع راجع بااظهارات آقای بهار
نسبت بوقایع اندوختی و ابراز تأثیر نمایندگان بیان
مطلوب نمودند که ملت ایران نسبت بدولت و ملت هلنی
از قدیم الایام حسن نظر داشتند ولی اکنون راجع
بمعامله نسبت بردم اندوختی که هنوز هم بایان
نیافرته است هم تمجیب میکنند و هم متأثر است و بعد
راجع بازادی واستقلال هندوستان که پس از صدها
سال فداکاری خلاصی یافته و در ردیف ممالک متمحده
دولت انگلیس فرار گرفته توضیحاتی دادند و از زعما
و یشوایان آزادی هند باحترام یاد نمودند و نیز
بقدمت واهیت ملت و کشور هندوستان و مناسبات
نژدیکی که از لحاظ زبان و ادبیات و فلسفه دین و
حقایق عرفان از قدیم بامت ایران داشته است اشاره
و اضافه نمودند که چون روابط مملو روی دولتی
و صلح دائمی استوار است - دارد وزارت فرهنگ
در کتب تاریخ و جغرافیا از لحاظ شناسائی ملتهای
همایه باشکل کمیسیون خاصی از مؤلفین تجدید
نظر نمایند تا بتوانیم چنانکه شرط تفاهم و حسن
تفاهم است ملتهای مجاور خود را بهتر بشناسیم و
اعظام امبدواری نمودند که ملت هندوستان نبزد

مذاکرات مجلس

جلسه ۱۱۴

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه هشتم شهریور ماه ۱۳۲۶

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس .
- ۲ - انتخاب کمیسیونها .
- ۳ - طرح دوفقره اعتبارنامه و خروج از دستور

مجلس ساعت ده و چهل و پنج دقیقه صبح برپایاست آقای نبوی (نایب رئیس) تشکیل گردید .

تصویب صورت مجلس

صورت مجلس روز ۳ شنبه سوم شهریور ماه را آقای فولادوند (منشی) قرائت کردند .

صورت مجلس روز ۳ شنبه سوم
شهریور ۱۳۲۶

دیر آمدگان با اجازه - آقایان : عباس نراقی -

فرامرزی .

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان، تولیت - دکتر
آشتیانی - شریعت زاده مشاور - اسلامی .
خطابهایی که باید حضور اعلیحضرت تقدیم شود
قرائت گردید .

در این خطابه مجلس شورای ملی واقع اصل
دهم قانون اساسی آمادگی خود را برای انجام مطابق
بعرض رسانیده امبدوار میباشد که با توجه باحتیاجات
میرم کشور و برنامه جامعی که دولت اعلیحضرت
مجلس تقدیم نماید قوانینی به تصویب رسید که متنین
غایب با اجازه - آقای محمد ذوالقدری .

نیم ساعت بیش از ظهر روز ۴ شنبه سوم شهریور
مجلس برپایاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید .
آقایان گنجه‌نی و محمد علی مسعودی راجع به
آراء سفید و علت آن در انتخاب هیئت رئیسه تذکر
اصلاحی دادند و صورت مجلس تصویب شد .

اسامی غایبین جلسه گذشته که ضمن صورت
مجلس خوانده شده :

غایب با اجازه - آقای شریف زاده -
آقایان : شریف زاده -
حسن گتابادی - هدایت الله پالیزی - محمد فوامی
علی و کبیلی - تقی زاده - لیقوانی .

● مبنی مذاکرات مشروح یازدهمین جلسه از دوره پانزدهم قانونگذاری

ادله: تند نویسی و تحریر صورت مجلس ۱

شورای عالی انتخابات نظر داده است که او باید در محل باشد ؟ زاندارمی جواب داد صحیح است که این افسر تغییر کرده محل مأموریت او هم خرمآباد است ولی این افسر وظیفه شناس را مقامات عالیه بهمندان فرستاده اند و زاندارمی بی تقصیر است (تمام این عراض را کمیکنم مدرک دارد و تماماً در پرونده انتخابات و پرونده وزارت کشور موجود است) این عده آقایان از هیچ اقدامی که تحت عنوان مداخله مشروع بما یاد داده اند خود داری نفرموده اند ویس از آنکه متوجه شدند که تمام اقدامات آنها ممکن است بلا نتیجه باشد سروان مجتبوی نامدار را برگزیدند که برود واین زنگوله را به قیمتی که شود آویزان کنند بلوک خنجین متعلق بیکی از خوانین همدان است و مالک این بلوک با آقای اسکندری نظر مساعدی نداشت با وجود تمام اقدامات آقایان زاندارمهای کاندید محترم حتی یک رأی در این صندوق بیندا نکرد ، آقای سروان در ضمن حمل صندوق شهر تخته های زیر صندوق لطمی شاشته و اشتباهاتی را که اهالی کرده بودند تصویب فرمودند بطوطیکه انجمن صندوق را دست خورده تشخیص داد و آراء آرا باطل نمود و مطمئناً اگر این آراء تعویض و صندوق باطل نمی شد آقای اسکندری امروز خدمت آقایان تشریف نداشتند این بود خلاصه ای از ماجراهای لشکر کشی انتخابات همدان که قضاوت نهائی درباره آن منوط برآی آقایان است . و اما صلاحیت اخلاقی و سیاسی ایشان ، کارهای بر جسته اداری که آقای اسکندری کرده اند یکی در-ال ۱۴۰۶ ریاست کابینه وزارت فوائد عامه بوده ، دیگری در سال ۱۴۲۲ ریاست هیئت مدیره شرکت بیمه و آخری در سال قبل فرمانداری طهران بوده است . در اغلب این مشاغل ترک خدمت های آقای اسکندری توان بوده است با فقدان یک چک یا چند تا چک و یا حبیف و میسل های دیگر و گریز بخارجه . پرونده های موجود در وزارت سابق فوائد عامه و شرکت بیمه جزئیات این نمونه های امانت را روشن مینماید ، عده ای از نماینده گان مجلعن شورای ملی ممکن است بر حسب مقتضیات زمان روز یا ساعت سووه استفاده های غیر قابل تردید اشخاص را نادیده گرفته و آنها را به همکاری خود بینیرند ولی دریک مرور است که نتو فترین قلب و با گذشت ترین اثیرانی نمی تواند آن مورد را ندیده بیندارد و آن مورد خیانت است ، خیانت به مملکت است ، اگر کسی برای مال و یا کسب جاه عالم و عادم منافع بیگانگان را بر منافع کشور خود ترجیح دهد و فعالیت شخصی و اجتماعی خود را در اختیار آنها بگذارد جایش نه فقط در صندلی مجلس شورای ملی نیست بلکه او را به چوبه دار باید سیرد تا بکسر اعمال خود رسیده و باعث عبرت سایرین شود (صحیح است - صحیح است) آقای اسکندری بالا فاصله پس از شهریور ۱۴۲۰ پس از سالها خاموشی فعالیت های سپاهی خود را آغاز نموده پس از چند ماهی موفق به نایس حزب توده و انتشار روزنامه سیاست ارگان رسمی حزب میشوند ، در دوره سیزدهم مجلس و زمامداری آقای قوام السلطنه بود که آقای اسکندری بدیریت شرکت بیمه رسیدند و بعد از چند ماهی بدلاً این که بخلاف عرض شد بعده بمحضر تشریف برگزیدند زنگوله ایشان از زاندارمی موافق نموده که این افسر را چهار مجدداً بهمندان فرستاده اند در صورتیکه هر چند هر کس مخالف هست صحبت کند .

فایپ رئیس - طرح اعتبار نامه در مجلس مثل سایر موضوعات و سایر قوانین است که مطرح میشود آن احکامی که در آئین نامه شامل قوانین است برای اعتبار نامه هم همانطور عمل میشود و در سایر موارد مبنی وسیله ای از مخالفت کرده اند اگر مخالفت خودشان را مسترد کردند ، آقای دکتر انتظامی میکنم تا حضور آقای خوئی از اعتبار نامه ایشان از دستور خارج شود .

فایپ رئیس - آقایانی که با بیشنهاد آقای گنجه ای داده اند که قرائت میشود .

فایپ رئیس - بیشنهاد میکنم تا حضور آقای خوئی از اعتبار نامه ایشان را از دستور خارج شود .

فایپ رئیس - آقایانی که با بیشنهاد آقای گنجه ای مبنی بر خروج اعتبار نامه آقای خوئی لازم دستور موافقند قیام بفرمایند (اکثر بر خاستند) تصویب شد .

۴- طرح و تصویب یک فقره اعتبار نامه

رئیس - اعتبار نامه آقای عباس اسکندری مطرح است ، آقای مهندس رضوی مخلوق بودند مخالفت خودشان را مسترد کردند ، آقای دکتر انتظامی بفرمایند .

دکتر اعتبار - عرض شود آقای مهندس رضوی که مخالفت خودشان را بسیار گرفتند بنده همان روز شرحی خدمت آقای رئیس عرض کرد و نوشتمن که بنده این مخالفت را قبول میکنم (بعضی از نماینده گان - نمیشود) چرا نمیشود اجازه بفرمایند ، گذشت از آن یک صورتی هم که در خارج بود در آئین اسم را بعنوان مخالفت نوشت برای روش شدن ذهن آقایان هر چشم کنم که موضوع مخالفت من سابقه دارد و بنده عرض میکنم در مجلس ۱۳ در صفحه ۳۵ مجله دوره سیزدهم اگر مراجعت نمایم می بینند که آقای رییسی با اعتبار نامه آقای مهندس رضوی مخالفت کرده و بعد مخالفت خودشان را مسترد داشتند و آقای ارگانی قبول کردند و مخالفت خودشان را هم گفتند و مجلس قبول کرد بنابراین بنده اجازه می خواهم بیایم مخالفت خودشان عرض کنم .

فایپ رئیس - طرح اعتبار نامه در مجلس مثل سایر موضوعات و سایر قوانین است که مطرح میشود آن احکامی که در آئین نامه شامل قوانین است برای اعتبار نامه هم همانطور عمل میشود و در سایر موارد مبنی وسیله ای از مخالفت کرده اند اگر مخالفت خودشان را مسترد دارند دیگری می تواند همان مخالفت را قبول کند بنابراین در این مورد هم مانع قانونی ندارد چنانچه اشاره شد سابقه هم دارد .

اسکندری - بنده می خواستم راجع بهمین هر چند هر کس مخالف هست صحبت کند .

را در اختیار دولت گذاشتند بنده هر چشم نمیکنم و خویشان را باقیان میخواهد.

اینطور نبود و دست برنداشتند اسمی را خواهند و آن وزیری هم این کار را بیکند اما جرم خواهم کرد. (صحیح است)

بعضی از نمایندگان - خوب بود اسم آفای را بخوانید.

نایب رئیس - در این موضوع از طرف رئیس مجلس بدولت تندگر داده شد مجدداً هم تأکید خواهد شد، آفای مسعودی.

عباس مسعودی - بنده عرضی نداشتم.

نایب رئیس - راجع بانتخابات مشهد است خوانده شد و گزارش آن هم بعرض مجلس رسید مخالفت شده حالا بفرمانی باید دور ته قرائت شد. ۴- طرح دوفقره اعتبارنامه و خروج از دستور

عباس مسعودی (خبر شعبه ششم) - خبر میفرمایند خوانده شود؟

نایب رئیس - مانع ندارد برای اطلاع آفایان خوانده میشود.

گزارش از شعبه ششم مجلس شورای ملی انتخابات مشهد عطف بگزارش شماره ۱۱ از شعبه ششم را با انتخابات مشهد آفای یونس وهاب زاده در در چهارم باکثیریت ۳۹۳۹۲ رأی از ۴۹۶۵ ر. بنمایندگی دوره پانزدهم قانون گذاری انتخاب شد و در تاریخ ۲۵ بهمن ماه ۱۳۲۵ اعتبار نامه بنایشان صادر شده است

شعبه ششم پس از رسیدگی پیرونده انتخاب مشهد صحت جریان انتخابات و نمایندگی آفای یونس وهاب زاده را تصدیق و گزارش آن را بر تصویب تقدیم مجلس شورای ملی مینماید.

نایب رئیس - آفای محمدعلی مسعودی مخالفید؟ بفرمانی.

محمدعلی مسعودی - ایشان تشریف ندارد علت مخالفت بنده با اعتبار نامه آفای وهاب زاده بر صلاحیت ایشان وهم راجع بطرز انتخابات ایشان نسبت به ردو ولی چندتر از رفقا بن گفتند چه این شخص در ایران نیست تو وجود ایشان غایب او یک نسبت هائی را با بدھی و او غائب با ودفع نتواند بکند، بنده در مخالفت خود حاضر همین حالا و بعدهم باقی هستم و این کار را خواهم کرد حالا آفایان اجازه بدهند چه صبر کنند تایش تشریف بیاورند.

نایب رئیس - آفای دکتر راجی بیشنها کرده اند که قرائت میشود.

بیشنها دستور خارج شود (صحیح است) خودشان از دستور خارج شود (صحیح است)

نایب رئیس - مخالفی نیست؟ (گفتند خواه آفایانی که بایشنا آفای دکتر راجی... (بعضی نمایندگان - مخالفی نبود) باید رای گرفته باشند بر خروج اعتبارنامه آفای وهاب زاده از دست آفایانی که موافقند قیام بفرمانی (اغلب بر خاسته تهم شد). اعتبار نامه آفای خویشی لر مطرح است

حاکم است باین که نمایندگان در اول که وارد مجلس میشوند یا باین طوری که تفسیر شده در اول که وارد کار میشوند بایستی سوکنی داد کنند (صحیح است) این هم مسئله ای است دینی و هم اخلاقی که مورد اعتماد اغلب نمایندگان است. صحیح است) و هم بصلاح مملکت است که صلاح مملکت در نظر سوکنی یاد کنند واقع میشود از این نظر است که بوج ماده ۱۱ قانون اساسی حالا که مجلس برای کار مهیا شده است و کار اولیه اش را تمام کرده است نبایستی هیچ عملی غیر از تحلیف بکند.

نایب رئیس - سابقه عمل دوره های گذشته بر این بوده است که بعد از تمام شدن اعتبارنامه ها مراسم تحلیف بعمل میآمده بعلاوه این موضوع در دستور جلسه آتیه است که اقدام خواهد شد.

عبدالقدیر آزاد - بنده اخطار نظامنامه ای دارم من با آفای قوام السلطنه اعلام جرم کردم و در خواست میکنم که اعلام جرم بنده را بخوانید برای این است که ایشان ممکن است

نایب رئیس - اجازه بگیرید و صحبت کنید.

دکتر اعتبار - بنده مطابق ماده ۳۲ قانون اساسی اجازه میخواهم.

نایب رئیس - ماده ارا بفرمانی.

دکتر اعتبار - اصل سی و دوم قانون اساسی میگوید چنانچه یکی از وکلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل میشود (صحیح است) و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستهای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود. هر ضمیمه دیگر که از آفایان نمایندگان قبل از این که مجلس تشریف بیاورند در ادارات دولتی در بنگاههایی که با سرمایه دولت اداره میشود عضو بودند یا مشاور بودند یا یک عنوانی حقی میگرفتند (بهادری) - حالا هم همینطور است) (اما می - و اوتومبیل های دولتی را هم سوار میشوند) هلت تذکر بنده هم این بود که بنده خودمند که باین موضوع نبودم یعنی از آفایان از خارج چند روز است که مرتب (شاید آفایان دیگر هم تذکر داده اند) تذکر میگردد که آقا این عمل صحیح نیست، عده از آفایان نمایندگان الان هستند که حقوق میگیرند از بنگاههایی که با سرمایه دولت اداره میشود (بعضی از نمایندگان - اسم بپرسید کی ها هستند؟) اجازه بفرمانی مشاور حقوقی در شهرداری یا در وزارت خانه های دیگری. بنده این اصلی را که اینجا خواستم تذکر بدهم برای این بود که آفایان باید انتخاب بگنند بین وکیل مجلس شدن یا عضو دولت شدن و قناعت بگنند یکی از این دو تا (صحیح است) آدم قحطی هم نیست برای کارهای خارج هم فرست بدیگران بدهند که دیگران هم خودنمایی بگنند کار بگنند و تا آن حقی که بدیگران تعلق میگیرد ضایع نشود (صحیح است) بنده اسمی این آفایان را اینجا امروز نمی خوانم (بعضی از نمایندگان - چرا نمیخوانید؟) اجازه بفرمانی بنده نمیخواهم جنبه هوچی کری باشند برای اینجا بدهم بنده این اسمایرا امروز عرض نمیکنم و به آفایان یکهفته فرست میدهم اگر تایک هفته دیگر آفایان استهای دادند و اوتومبیل های دولت

خیل بین چند نفر، یکی هم موضوع آب هیرمند است، آفایان خوزستان را بالغه نشانید، این وضعیت است، اگر آفایان اجازه بدهید بنده بیایم پشت تریون تمام این مطالب را بگویم و اگر اجازه نمیگیرید بنده می نشینم.

نایب رئیس - آفای حاذقی مخالفید

حاذقی - آفایان نمایندگان معترض تصدیق میفرمایند در درجه اول برای مجلس لزوم حق همکاری و حسن تفاهم بین آفایان نمایندگان است، هر یک از آفایان تذکری دارند، بیشنها دادند این پیشنهاد را که میدهند کاملاً ذی حق هستند و طبق حقی که آینه نامه مجلس شورای ملی بهشان داده است این پیشنهاد را تقدیم کنند و لزوم طرح پیشنهادشان را هم اینجا توضیح بدهند ولی استدعا میشود که سعی بشود حتی المقدور گفته هایی که میشود منطبق با حق و واقع باشد زیرا تصور میگردد که اکثریت موافق با تذکرات و طرح صحبت ها و نطق های قبل از دستور آفایان نباشد دلیلش هم این است که در جلسه گذشته که بنا شد بطبق قبل از دستور اجازه داده شود که مجلس رأی داد آفایانی که صحبت فرمودند هم از رفقاء همکار معترض آفای محمدعلی مسعودی بودند، اجازه های هم که برای آفایان ثبت شده بود و حالا هم خوشبختانه یا بدینجا مجلس شورای ملی رأی نداد که آفایان بعث شان را بگنند و مجال هم برای صحبت آفای محمدعلی مسعودی باقی است اگر یاد آفای مسعودی باشد در یک موقعی پیشنهاد شد که اعتبار نامه هایی که در ش اعراض نشده است مقدم باشد این موضوع را در روزنامه خودشان بزرگ کردند که لابد یک سوهنی بوده است در صورتی که اینطور نبوده است (نورالدین امامی - آفایان نبوده است آقا) آفای امامی اجازه بدهید در موقعی که شما اینجا صحبت میکنید هم باید سکوت کنند همینطور هم وقتی من صحبت میکنم آفای سکوت بگنند هر روز میکنم بنابر این تکلیف ما نیست حق آفای رئیس است باید تذکر بدهند وقتی که من اینجا صحبت میکنم باید آزادی صحبت باشد هیچکس از آزادی صحبت اینجا نباید معروم بماند (صحیح است) الان پیشنهاد شده است که اعتبار نامه ها از دستور خارج شود، این خودش یک عملی است برخلاف اصول، برای اینکه یک عدمی از آفایان کارشان تمام شده است و عده دیگر از همکاران ما تکلیفشان معلوم نیست اینها باستی مطرح شود (صحیح است) و تکلیفش روش شود و بعد هم اجازه نطق قبل از دستور و تذکرات لازم بافایان داده شود.

محمدعلی مسعودی - فوری است آفاقت فوت میشود اگر گفته نشود.

نایب رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آفای محمدعلی مسعودی مبنی بر خروج طرح اعتبار نامه ها از دستور، آفایانیکه موافقتند قیام بفرمانی (عده کمی برخاستند) تصویب نشد.

رضوی - اخطار قانونی دارم.

نایب رئیس - بفرمانی.

رحبهیان- بشماچه مر بوطاست چرا نمیگذارید
ش را بزند .

دھقان - بشماچه، باید با تهمامی کو اور دشداشت ب بدھد، تو حق داری ازاو دفاع کنی.

ر حیه مان - شما خودتان ازاو کثیف تر هستید
نمیگنداشید صحبت بکنند، فضولی نکن.

دھقان - بـشـا مـرـبـوـط نـبـسـت .
مسـعـودـثـاقـي - آـفـا اـيـن چـه وـضـعـی اـسـت

۰) رئیس (

اعتبار در بیانی که کردند این بود که در سال

۱ این کتاب در پاریس چاپ شده است و در سال ۱۹۳۰ در منتهای فندرت دوره یادشاه کمال امیر کان

این کتاب چاپ شده و روی این کتاب عمل شد
اشخاص را گرفتند توقیف کردند و اعدام

د این جریان امر است و این بهترین دلیلش
ت کهر کس توی خانه اش حرفی معمولی میزداورا
جیز نه آنکه تایلر اگرچه نهاده

برفتند من از آن طرف نگاه مبکردم وزیر لپی
کنند اش نهاد

دادرنگه با این وضعیت و حصاری که دور شوروی
شان را در زمینه نداشتند

سده بود پسنه با امنیت ایسیونان سوم از بساط
که هیچ باشورویها هم رفت و آمد داشتم از
شته از آفتابان می سه مزادت فواید و این

ی داشت ؟ میخواهم بدانم آنجا وزارت است ؟ شهیمان مملکت است دادجه کمال

فای حاج مخبرالسلطنه بنده میخواستم گزارش
آخر این چه معنی دارد که اینجا در مجلس

بنده در وزارت فوایند عامه کی مصدر امر وزیر بودم؟ چه بودم؟ خوب آن موضع

آقایان البته دقت دارند و فهمیدند قسمت
راجم بریاست هیئت مدیره شرکت سینماهای ایران

آقای عامری رئیس هیئت مدیره بودند و کنم وقتی که بنده رفتم بشرکت بیمه ایران

وزارت کشور منصوب شدند ولطفاً با موافقت آنچه اینندۀ دادند وقتی که بنده رفتم آنچا

در کنتمطابق ییلانی که بود در حدود ۲۶
دیال بود و روزی که از شرکت ییمه ایران
نم ۴ میلیون دمال هایدی شرکت ییمه بود

لان شر کت است کاری که در شر کت یمه من
و تا این دقیقه نخواستم ظاهر کرده باشم و

بن کار عادت ندارم اینست سکه قانون یمه
ن را تهیه کردم و آفای قوام السلطنه در کائینه

آوردنده به مجلس بامضای آقای قوام‌السلطنه
بهاء‌الملک وزیردادگستری پیشنهاد شده است

ازون کندشه است این قانون بزرگترین سندی
سایش این مملکت است که وقتی یک طبقه

بیچاره، امینان با یاد خودشان ییدا کردند
بعیات بهتر و راحت تر و آرامتری خواهند
الله دقتی داشت و گراندیز نیز کار

این دویمه هم دیدران در وزارت کار و از
بیسکر آمدند و گفتند و نوشتند و یک کلامه
گفته که این فلانه ممکن است که این راه را

نهاد
امن یاسنیهاد
از بران بینهاد
بیرون این مادون

بعد هم بهمین سیره رفتار کرد دفهه چهارم شیخ علی طوری که فرمودند یکدانه اش را اشتباه کردند بنده در مدت ۲۹ سال سابقه سیاسی کدراین مملکت دارم و چنانچه خواهم گفت و دراین موضوع باداشتی هم کرده بودم که به آقای مهندس رضوی جواب بدhem من درسن ۱۸ سالگی زمانیکی درمدرسه بودم و بعد که مدرسه را تمام کردم داخل سیاست کشور ایران مستقلابا فکر خودم شدم ۶۰ سال که آقا اشاره کردند صحیح نیست و ۲۹ سال است اما جریان خدمات بنده اول چهار ماه و نیم قریب ۵ ماه از آن را معاون اداری مرحوم مشیرالدوله رئیس وزراء بودم و بعد رئیس کاینه فوائد عامه بودم و بعد هم در پیس کل شرکت بیمه ایران و بعد هم استاندار شدم این چهار کاری است که بنده در مدت ۲۶ سال داشتم ام من هیچ نمی خواهم استفاده بکنم از اینکه شخصی چون مرحوم مشیرالدوله یامرد بزرگی مثل بهاءالملک یامؤتمن الملک همیشه آنها در تمام موارد بن حسن نظر و اعتماد خودشان را داشته اند و مؤتمن الملک حاضر است ولی آنها هیچ استناد نمیکنم موضوعی که اینجا بیشتر از هم آقای دکتر احتصار خلی جسارت کردند و من عادت نکرده ام توهین بکسی بکنم، با کمال بیشمری بن بن نسبتی دادند که من مجبور هستم در همینجا با یاشان بکویم که بسیار بیشتر هستید در زمان دوره حکومت گذشته همه میدانید که من از مخالفین بودم محل تردید نیست که از روز نهم آبان و قبل از او در زمان مدت سردار سپه و نیس وزراء بود تا نهم آبان که بسلطنت حاضر ند ملک الشعرا بهادر حائری زاده و دیگران من مخالف حکومت بودم و بعد آنهم این حکومت را داشتم طبیعی است در دوران این حکومت که کسی حرف زدن نداشت جز اینکه مقاومت منفی کنم و در منزل باش کار دیگر نمیکردم و در تمام این مدت هم متجاوز از هشت نه مرتبه من در شهر بانی توپیف شدم و دراین دفاتر مکرر پس از یکماه دو ماه سه ماه جلس می آمدند در را باز می کردند می گفتند اشتباه کردیم در یکی از آن دفاتر وقتی من را بر دند آنجا گفتند اسم شما چیست گفتم اسم بنده؟ چه عرض کنم شما کسی را که نمی دانید گفته است چرا گرفت آورده اید گفتند رسم این است که اسماشان را بگویند، گفتم اسم بنده شیخ علی اکبر گفتند شیخ علی اکبر یعنی چه؟ گفتم اجازه میدهید او فاتحان تلح نشود یک حکایت است عرض کنم گفتند بگو گفتم در زمان قدیم مرسوم بود که در روزهای اواخر اسفند، آخر سال برای حکام (این الان در برونده شهر بانی هست، جعل نیست) یک خلمتی می فرستادند برای حکومت فرمانی صادر می کردند و اگر یک حاکم چند سال میماند این محتاج بفرمان مجدد ببود و لی خلعت فرستاده میشد یک حاکمی را سمنان فرستاده بودند چندین سال آنجاماندو قبیله این حاکم هوش شد حاکم دوم آمدو در روز دوم سوام از اطراف ایان پرسید که حاکم سابق چه کرده بود که چند سال ماند آنچه فکر کردند گفتند ما کار بر جسته ای از او ندیدیم فقط روز دوم بود که اینجا شیخ علی اکبر را چوب زد. گفت این آقا شیخ علی اکبر گفته است چرا چوب زد. گفت این آقا شیخ علی اکبر گفته است آنچوندی است که اینجا هست فرستاد آقا شیخ علی اکبر آواردند

اورا وزن گفند که به بینند چند کیلو است
درک میگردید و اگر مقابله میشد و مراجعت
پفرما مذهبی آقای آیة الله بروجردی که این شیوه
نمی تواند جای یکنفر و کیل را در مجلس بر
بروید مراجعته بگفند (تولیت - آقای شما حق توانی
ندارید باشخاص توهین نگفند) (همه نمایندگان
آشیانی زاده - بگذارید آفارخرفشن را بزدید
در پشت این کرسی خطابه که یکنفر ۰۰۰
کرده بی آبروئی بسی - چه غم دارد از آن
کسی - مباید اینجا و حرف میزند و من با کسی
خوسردی صبر کردم حالا بشنوید جواب را آن
(جمعی از نمایندگان - بفرمائید آقا) اگر خواه
شما که سابقه شما و جریان اموری که در این مورد
هست روشن است چه من اینجا باشم و چه
نباشم از گلوبی شما چندارها را در خواه
میدانید که من که هستم . بله من اینجا خواه
و آنچه که لازم است میگوییم شما تصور میکنید
میتوانید نام بندۀ را بهلوی نام خودتان با
بگذارید . الهر از لانی نام از لانی نام از لانی که
عباس اسکنندی و ذکر اعتبار و سیداحمد اعتبار
موضوعاتی که اینجا فته شد یکی جریان انتخاب
است و همانطوری که عرض کردم موضوع انتخاب
همدان خیلی خیلی روشن است در آنجا یک شهادت
معترض و بر جسته واجب تنظیمی که همه ایرانیان
با احترام می گفند آقای پهاءالملک (برزیل)
تصدیق میکنند بهاءالملک مرد محترم است) ای
در غیاب بندۀ کمن در ایران بودم بندۀ را از انتخابی
همدان کاندیدا کردند در مراجعت که آمد با ایران ایشان در تهران بودند و من رفتم و خواه
ایشان عرض کردم کمن قصد عزیمت را دارم
اقدامی که کردید خیلی خیلی تشکردارم ولی م
هست ایشان فرمودند من دیگر گفتم و گفته
است آقای بزرین شما این را تعریف بگفتد ، تمام
بهار اینجا حاضر است ، خوانین محلی ، تمام ای
اسدآباد تلگرافات آنها تمام اینجا موجود است
که ملاحظه میفرمایید تمام تلگرافاتی است که
محل بین کردند و تقاضا کردند و جوابهایی
کمن دادم وقتی هم انتخاب شدم همه تبریک گفتند
تلگرافات هم موجود است شما هم بروید و دو تالک
پیاوید و آنوقت بقول آقا بندۀ و کیل تحمیلی ه
هست . آقای بزرین بعداز آنکه بندۀ کاندید
خود را گذاشت تقاضای ائتلاف کردند و تلگرافات
حاضر است و ایشان هم از اهالی محل هستند
ائلاف کردند تلگرافات ایشان هم همکی مو
است خودشان هم اینجا حاضرند پس مجموعه
بندۀ هیأت از آرائی است که در همان آقایان خواه
باستثنای دونفر آقای بزرین و دو فقای ایشان و خواه
اسدآباد و خانواده فرمافرمانیان مجموعه آرام
تشکیل دادند بندۀ خواه است به آقایان نمایندگان
معترض اینجا توهینی شده باشد من نمی خواه
انتخابات من بهتر از دیگران است و بهمین
با ایران انتخابشان مخالفت نداشتم (برزیل - ج
را تصدیق میکنم) (صدرزاده جریان انتخاب
کردید؟) (برزیل - بله تصدیق می کنم) بسیار
میروم سرموضوع دیگر ، این بود جریان انتخاب
اما در موضوع راجم بصلاحت بندۀ . ایشان هم

خانه آنوقت این آقایان بودند : آقای رهنما
معاون - آقای محمد صفوی خان ادیب - آقای اویسی
 مدیر کل فلاحت - یکنفر امریکانی مدیر کل
راه بود - آقای سعید تقی‌پیشی رئیس کارگزینی - آقای
قطن‌سلطنه مجده رئیس اداره تجارت و جنابعالی
تنها شاهزاده در پست مهم رئیس کاینه بودید
تمام مایل نواقص و قصوری که ممکن است به یکنفر
نسبت داده شود دزدی ، رشوه‌خواری ، اختلاس ،
بی‌عقلی حتی قتل نفس در مقابل جاسوس پانمه
بودن صفر است آقای نمره ۶ جنابعالی چند روز
قبل یکی دیگر از مأموریت‌های خودتان را در مجلس
شورای ملی انجام دادید ولی امیدوارم که با کمک
آقایان نمایندگان این آخرین مأموریت بوده خود
شما هم گویا واقع باشید و تذکره
سیاسی هم که فعلا در جیب جنابعالی است یقیناً بی
دلیل تهیه نشده . آقایان نمایندگان امروز پس از
۴۰ سال اغلب شما به مردان پاکدامن و رجال
باتقوای مملکت ایران میگیرید که چرا در فلان تاریخ
برای حفظ جان خود سوار کالسکه، فلان سفارت شدند
فکر کنید اگر خدای نکرده این ها را به همکاری
قبول کنید آینده و تاریخ در باره شما چه‌قضاؤی
خواهد کرد زندگی به آن چند صباحی در عمر
بشر اطلاع میشود که توأم با شرافت باشد اختیار
با شماست (احسن)

فایبرئیس - آقای اسکندری

عباس اسکندری - عرض کنم بندۀ حاجت

مجلس دیگری ندارم کسی حاجت دارد در جلسه
دیگر صحبت کنند که برای خودش یک‌لغزشی بداند
و بخواهد برو و عقب جواب، آقای دکتر اعتبار معروف
خارطه تمام آقایان نمایندگان محترم هستند که ایشان
اهل دنیا هستند و همه‌هم میدانند که اهل دنیا ایشان
اعتباری ندارد ایشانه به اعتبار خودشان در اینجا
مذاکراتی کردند و من از مخالفت ایشان خیلی خشنود
شدم وقتیکه دیدم آقای مهندس رضوی مخالفت
خودشان را پس گرفتند ، از آقای سردار فاخر رئیس
تفاضا کردم اجازه داده شود بهر کسی که می‌دارد
حرف بزند . ایشان فرمودند نمیشود طبق مقررات
وقتی مخالفت خودش را پس گرفت کسی نمیتواند
مخالفت بگند . بندجه کردم ، بندماز برای اینکه همه
آقایان چشم‌شان باز باشد وقتی رأی میدهند از یکی
از دوستان خودم که در این مجلس است در ۱۰ روز
۱۲ روز قبل از آقای دکتر راجی خواهش کردم
که بروند یکنفر را ییدا بگفند که مخالفت که مخالفت
از مارف خودم از مقام دیاست تقاضا میکنم که مخالفت
اوینیر فته شود من میل ندارم کسی بعن رأی بدهد
تا وقتیکه صحبت نشده چون عنوان مخالفت شده و بالآخره
آقای دکتر راجی بندۀ فرمودند که خوشبختانه
من این اقدام را حکردم نه از نظر موافقت
و دوستی با تو ولی علی‌الاصول برای یک
کسبکه داوطلب است و آزاده میگوید هر کس
میل دارد مخالفت کند من این اقدام را حکردم
مذاکراتی که آقای دکتر اعتبار اینجا فرمودند چند
قسمت بود ، یک قسمت راجع به جریان انتخابات
همدان است ، تصور میکنم اگر آقای مخبر شعبه
مراجعة بپرسد انتخابات همان که محتوى چندورق
بیشتر نست و مروج نه آقای دکتر اعتبار که ماست

جلب میکند و ایشان تحت مراقبت قرار میگیرند .
در اوایل سال ۱۳۲۳ ایشان مصاحبه‌ای با مخبر
روزنامه (آخرالساعه) نموده و اظهار مبدارند که من لیدر
حزب توده و مروج مردم بالشویکی در ایران هستم
و در نظر دارم فیلمی از وقایع ۲۰ ساله ایران تهیه
کنم ، مقامات مصری که مدتی مراقب اعمال او بودند
فعالیت و اقامات ایشان را در قاهره برخلاف منافع
مصر تشخیص داده و با وجود اینکه گذر نامه خدمت
داشته‌اند گذر نامه ایشان را توقیف و خودشان را هم از
مصر خارج میکنند .

مدارک این هرایض در پرونده معزمه و زارت خارجه
موجود است و انگهی شاهد حی و حاضری هم این
جا داریم . بله آقای اسکندری را مصریان نزدیک فتند
ملل دیگر مراقب و بیدارند فقط مملکت ما است که
بهشت جنایت کاران و خیانت پیشنهاد شده و این اشخاص
و امثال آنها بوضایین که مجازات شوند دارای مشاغل ،
جهان و نرود میشوند . ممکن است گفته شود که عضو
حزب توده بودن و یا تبلیغ مردم بالشویکی کردن که جرم
نیست ، صحیح است من هر غبده ای و لو بت پرسنی
راهم محترم میشمارم من اصولاً معتقدم که نجات دنیا
در یک سوسایل ایزام حقیقی است ولی فرق است بین
ایمان داشتن و جاسوسی کردن (صحیح است) این
کتاب را که ملاحظه میکنید کتابی است که سازمان
جاسوسی روسها را در دنیا وبخصوص در ایران شرح
میدهد مؤلف آن شخصی است بنام ژرژ آکاباکف

مقدمه این کتاب اینطور مینویسد :

مقدمه: اینین یکروز گفت که بر بشویک بايد خودش را یک
چکیست تربیت کنند بازبان دیگر هر کوئیست بایدیک
جاسوس باشد . بدیهی است بادشمنان ییشماری که مادر ایران
برای حفظ دولت جوان خود هیچ وسیله ای را غیر
مجاز و یا نامشروع نمیدانیم نهایت ضرورت را دارد
که دستگاه حفظ دولت (مقصود پلیس مخفی است)
منتهی درجه فعالیت را داشته باشد . آکا باکف
مینویسد من اقرار میکنم که نامش چکاویا
که بـ او است مأشببی است عجب و مهیب و مدلی
است که تاریخ پشیت تا بحال نظیر آن را ندیده ، ده
سال تمام از ۱۹۲۰ - ۱۹۳۰ من عضو وابسته
این دستگاه بودم من در مرکز مهم آن کار کردم
و به تمام رموز مملکت داری این دولت جوان آشنا
هست من بالآخره ایمان خودرا ازدست دادم و بهمین
دلیل روابط خود را داوطلبانه با این دستگاه و این
دولت قطع کردم من مطمئن شدم که این راه هیچوقت
به آن ایده آل هائی که بما نشان داده شده است خواهد
رسید بر عکس من دیگر نمیتوانم خدمتگذار با ایمان
آن باشم بلکه من وظیفه خود میدانم که پا آن مبارزه
کنم و چون بزرگترین ستون آن دستگاه ج سوسی
آن است من میخواهم بالتشاور حقایقی این ستون را
بلرده بیاورم و چنان حرکاتی با آن بدهم تا تمام این
دستگاه واگرگون شود در همین کتاب در صفحه ۹۶
نگارنده ضمن شریع تشکیلات جاسوسی در ایران
در سال ۱۹۲۷ (۱۳۰۶) و معرفی آزانسها مینویسد
«یک شاهزاده ای که پست‌مهیی در وزارت فوائد هامه
داشت جاسوس شماره ۱۶ ما بود او اطلاعات مفید
راجع بپرسید کار وزارت خانه بـ میداد» وزارت
فوائد هامه در آن تاریخ با جناب آقایی حاج
محفل‌السلطنه بد صاحب منصبان مهم ای . و ذات

روش را از دست ندهم، برمن یقین است، مردمانی در دنیا حق زندگانی دارند که خود را صاحب حق میدانند و کسی نمیتواند ما را بعنوان وطن پرستی و آزادیخواهی مورد ملامت قرار دهد، اگر این طریقه بد است، هرا این همه نفس را ململ دیگر، همین‌همال‌کمعظمه، بنام آن بکشتن دادند و برای حفظ آب و خاک خود این‌نهجه استادگی کردند او اگر خوبست چرا ماز آن استفاده نکنیم! حالا عموم آفایان نمایندگان اصول سیاست و روش مردا دانستند، با علمی کامل و فکری روش می توانند در آن فضایت نمائند، من هبته با پیداگری مبارزه خواهم نمود، من برای حفظ حقوق مردم که در نتیجه حفظ حقوق خودم و خانواده من است استادگی خواهم کرد و تآن را بحسب نیاز از باخواهی نشست من چه در داخل مجلس باشم چه در پشت این کرسی خطابه باشم چه در اداره روزنامه خودم باشم یاد ره گوشه این مملکت به نسبت و سبله‌ای که دارم این روش را که با خدای خود عهد دارم تعقیب خواهم کرد، حالا آفایان می خواهند باقیام و قواعد رای بدهند باوره رای بگیرند یاری مخفی تقاضا کنند یا شنیدگری که من خود پیشنهاد می‌کنم، مخالفین مهره‌های سیاه و اجمع کنند و باموم وغیر وروغن وسایر مواد نقی عجین کنند، دسته‌ای آفای دهقان هم می بینم بد نیست، (خنده ممتد نمایندگان) و با آن مفتر مرا متلاشی کنند و در شعله و لهیب نفت جسد را سوزانند و خاکستر را بهوا پخش کنند بازبدانند که از هر ذره خاکستر من اسکندری صاحب فکری بوجود خواهد آمد از همه آنها خواهید شنید که باز می‌گوید آزاد بدنیا آمدام آزاد باید زندگی کنم و آزاد باید از دنیا بروم شمار من و کسانی که از من بیروی می‌کنند، این خواهد بود هر که برای وطنش جان سپرد زندگیش نیکو و خوشبخت مرد، فرست است که از نویسنده‌گان محترم خصوصاً نویسنده‌گان ایران ما و کیهان بالاخص از آفای فرامرزی و سایر آفایانی که در مرکز و ولایات بین ابراز محبت کرده اند سیاسکارادی کنم و از تمام آنهاشی که مرا بالطف خود تأیید کردند بسیار ممنونم و می‌دانم، راه صعب است مگر یار شود لطف خدا آری! هر که در این بزم مقرب تر است - جام بلا بیشترش میدهند - بله آفایان بعضی از نمایندگان - رای رای -

دھقان - بندۀ اخطار نظام‌نامه‌ای دارم .

تولیت - بندۀ اخطار نظام‌نامه‌ای دارم .

مسعود ثابتی - رای بگیرید آقا از حرف ایشان ازین می‌رود .

نمایندگان - رای رای .

عماق اسکندری - مطابق قانون کسی نمیتواند بعد از بندۀ صحبت کند برای این‌که دو مرتبه باز باید بندۀ صحبت کنم.

نایب رئیس - تمنا می‌کنم از آفایان نظم را در موقع رأی رعایت کنند آفای دهقان شما اخنوار نظام‌نامه‌ای دارید بفرمایید ؟

باید منهم دراردوگاه بصره یا هندوستان باشم و بن
تصیحت داد که رویه خود را عوض کنم اما چون بر
اصول و عقاید زرزال آگاه بودم و یادداشتهای او
هم بعداً در دسترس من قرار گرفت نتوانستم نصایح
ایشان را بینیم. زرزال مردمی آزاد فکر و دموکراتی
بود اما عقیده داشت که دموکراسی از جزیره انگلستان
بعارج نمیتواند نفوذ کند و دموکراتیهای دنیا و دیگر
محلهای جهان خصوصاً آسیا و ایران نباید از آن
سموی داشته باشد (صحیح است). این جمله از
کتاب اوست که مخصوصاً از روی یادداشتهای
او مبلغانم (یکی از نایندگان - لازم نیست).
(اقبال - درست است) فقط یک سطر است و
باید گوش کنید «زرزال مینویسد: من با اطلاعاتی
که نسبت به حکومت دمکراسی: ودمان و دمکراسی
ایران پیدا کرده ام بعقیده من ما نایستی طوری
رفتار کنیم که ایرانیان هشیار شده بفهمند با اینکه
ما خودمان یک مملکت دمکراسی مستیم در مملکت
آنها ملاکین و سرمایه داران همدرا بر علیه نهضت
دموکراسی تقویت میکنیم» این شخص فارسی
خوب حرف میزد و خود را هم عاشق سعدی و حافظ
میدانست ولی افسوس، برای کشوری که حافظ و
سعدی بوجود آورده حقی قائل نبود. من از این
قدم اول شروع زندگانی سیاسی دانستم که ملتی بی
زور چون ایران جز از خود گذشتگی و شهامت و
صراحت لمحه و شجاعت راهی ندارد و به میگرس
و هیچ قدر تی هبز نیروی ملی خود نباید تکیه
کند زیرا زورمندان جهان نیروی خود را برای کان
برای دیگران صرف نمیکند (صحیح است - احسن است)
و در جدال آقائی دنیا کسی را سهم و بهر میدهند
که بخواهد زنده بماند و برای خود حق زندگی قائل
باشد (محمد ذوالفقاری - اگر بگذراند) من نیز در میان
آنها ایرانیان که در پیکار جنل اول بین الملل زیان
دیدند آقای مامقانی و آقای مذکوثر احمد بودند
(بروزین - بنده خودم هم بودم در آن مهاجرت
قدس). چه بهتر، و بسیاری که از میان رفته بسیار
صدمه خوردم ولی هیچگاه جمودت فکر ندارم
که باین منظور و علت در صفت مخالف بریتانیا
قرار گرفته باشم بلکه بالعكس به موطنان خود توصیه
میکنم باید با ملتی بزرگ چون انگلستان آرزوی
دوستی واقعی را داشته باشد و اینهواز باشند که
زماداران آنکشور در سیاست نشون و مشتبه خود
تفیر روش دهند و ما بتوانیم از این همایه توانا
فوائدی چنانکه باید و شاید بیریم ولی این امر در
روزگاری امکان بذیراست که حق مار ابشناس در روز کار
انگلستان بعد از دو فرقن بحکم جریان تعول تاریخ روز کار
از تاج امیر اطوروی هندوستان معرفت میکند مسلم است
که باید با ایران مستقل طریق دوستی واقعی بیش
گیرد و از جمله تقاضانی که ایران برای دوستی دارد
همان تعديل نر تمدید قرارداد نفت جنوب است.
انگلستان نیازمند به نفت جنوب ایران است، ایران

باقیای قوای زاندارم که از دست مرک جان بدر پرده
و در کوههای لرستان و سایر نقاط صفت غرب گرسنه
و در بدر بودند با تفاوت چند نفر دیگر هزیمت نمود
ومقرر بود در نهادن بکمک و راهنمایی مر حرم میرزا
طاهر تنکابنی مأموریت خود را انجام دهم، در سن ۱۸
سالگی بشهادت شاهدزندگان و جوده‌های مجلس مأموریت
خود را بخوبی انجام دادم (از آفایان خواهش میکنم
که تشریف داشته باشند) کمک آفای ظفر السلطان که
امروز آفای ظفری خوانده میشوند و اینجا هستند
هیچوقت فراموش نمیکنم که در لحظات سخت مرال
مرک نجات دادند و همچنین مر حرم نظری خان مردار
اکرم امیر نظام والی بیشکوه برای همین منظور
آزادیخواهانه خود را بخطر ویکار و مبارزه داخل
نمود که برای او گران هم تمام شد و دریکار الشتر و دلفان
یکی از سرمهای او، شایدهاین آفای علی محمد خان غضنفری
باشد که مجرح شد و خوشو شو قدم که باتمام زحمات در این مسافت
بدستور ایران دوستان واقعی و مردی چون تنکابنی
موفق شدم با تفاوت رفقای خود متوجه از هزار نفر
زاندارم را از مرک نجات دادم ولی محسن نجم آبادی
که زنده است در این راه نقش بزرگی داشت بالاخره
چون ستاد ارش اش انجلیس در همدان وجود مایه
رفقای ما را با نقشه خود منافق میدانست موفق شد
که بیشتر دوستان مارا توقیف و گرفتار کند، من
پنهانی و بکمک مأمورین ظفر السلطان خود را
توانست به همان برسانم و بالاخره در این شهری که
امروز سمت نمایندگی آزادارم، بقول آفات‌تعجبی؛
از طرف مأمورین پلیس انجلیس در داخله کشود
آزاد و مستقل و بیطرف ایران دستگیر شدم (در
جهنگ گذشته ایران تا آخر بیطرف بود) گناه من
ایران دوستی من بود دلیل آنها هم قدرت و حکومت
کیف مایشائی و زور بود. مدت ۱۱ ماه در همدان
توقف بودم، اعتراف دارم در زندان با من سیار
خوش‌فتاری نمودند و شکایتی از مأمورین جزء
انگلیسی ندارم زانزال مازور دونسته‌ویل پدریز رک
کوئتای ایران گه رئیس و فرمانده این قوا بود
بسیار مرد مؤدب و متین و مخصوصاً نسبت بمن کمال
ادب را نموده بیانات مأمورین زیر دست حکایت می
کرد که مثل امروز او هم مرا لجوچ و سر سخت
نامیده است در تحقیقات بآنها جوابی ندادم و دلیل
من این بود که بآن ها گفتم شما بدون اجازه به
کشور ایران آمده اید و بحکم و در مداخله غیر
قانونی میکنید و بشما که حکم جلال قادری را دارید
جوابی نمیدهم شاید همین امر موجب شد برخلاف
معمول مرا بحضور زانزال رددند او هم جوابی از من
نشنید و مکرر بمن گفت شما خبلی لجوچ و سر سخت
هستید ولی حس کردم که بی احتیاطی من در مقابل
آنها قدرت در آنها نسبت بمن تولید احترام نمود
و روزیکلا مشارکه بستم فروین و رشت برای اشغال
قفقاز می‌رفت مرا خواست و گفت شخص‌آین ارفاقد کرد هاست
والا چون حاکم همدان و سایرین که زندانی شده بودند

ایران دکتر محسنی- سلطان حسین رخانی- بنده بآنها
نوشتم شما هیچ قسم وظیفه دیگری ندارید و از شما
میرنجم اگر دخالت بکنید من در ایران نیستم شما
هم دخالت نکنیه اینها معدالت به روزنامه های دیگر
کیهان، نجات ایران و ستاره و جاهای دیگر فرستادند.
اینهم راجع بآن قسمی که آقا فرمودند اما اینکه
بنده بمصر رفت و در مصر فعالیت سیاسی کردم، آقا
من زبان عربی نمیدانم من رفت و دریک هتل منزل
کردم و جز آب معدنی حلوان و گردش در کشور
مصر جای دیگری نمیدانم بنده در مصر فعالیتی نیاش
ملک فاروق داشتم؛ بنده برعلیه دولت انگلیس یا برله
دولت شوروی کار کردم؟ دولت شوروی و دولت
انگلیس که در آن موقع هر دو باهم متجدد و متفق
برعلیه آلمان اقدام میکردند شما که میگویند که من
طرفدار اتحاد جماهیر شوروی بودم آنها هم که در
آن موقع باهم مخالفت نمیکردند شما یاک نسبت‌هایی
بن دادید که من واقعاً خودم بیش خودم تکر کردم
که یاک چیزی هستم؟ در این مملکت (خنده نمایندگان)
اما موضوعی که لازم است برض برسانم اینکه بنده
بخیال خودم و قبیله حس کردم دیدم که یکنفر اینجا
با من مخالفت کرد و مخالفتش را پس گرفت همین
عنوان اینکه من مخالفم کافی بود که یاک اشخاصی
دغدغه خاطری پیدا کنند، این آفای دکتر راجی
اینجا هستند گفتم آقا بنده خواهش میکنم یکنفر
را پیدا کنید که با من مخالفت کند گفتند نمیشود گفتم
وقبیله اجازه خواست من تقاضا میکنم چون بمنعفت
من است زیرا اگر او صحبت نکند بمن اجازه نمیدهند
ولی اگر او صحبت کند بمن اجازه میدهند و من
همین را میخواهم بنده این اجازه را میخواهم برای
اینکه چند کلمه ای بتوانم حرف بزنم آفای دیپیس
میگویند خوب چون کسی باشما مخالفت نکرده شما
هم نمی‌توانید حرف بزنید و عملاً من این را صحیح
نمیدانم بعداز این هم وقتی یکنفر گفت مخالفتم موافق
و صاحب امر حقش باید محفوظ باشد که بتواند حرف
بزنند. عرض کنم دوباره هیچ نیخواهند داخل یاک جریانی
پشوم، همه میدانند که موضوع جیست آرزویهم کمن
آمدم و بیش این کرسی خطابه حرف زدم و همان روز
هم گفتم که موقع مهم مملکتی است و اگر نمی‌گفتم
فوت میشند و برای این باتمام اصراری که دیگران
کردند که اینکار را نکنم و بعد همین نصیحت دادند
قبول نکردم ولی من نمیتوانستم، زیرا یاک موضوع
ملکتی بود آنهم در طی قرون برای ایران، برای
نفع ایران یکدفعه پیدا نمیشود، من حتی اگر نمیتوانستم
بدون اسم این موضوع رادر مجلس حقیقت بگنم همان
کار را میکردم، ولی مجبور بودم که آن کار را بگنم
ولی خوب، عرض کنم در اواخر جنگ بین‌المللی گذشته
که مدرسه راتام کردم برای اولین بار یا در صحنه
سیاست ایران گذاشت در آن زمان ایران میدان
بی‌عدالتی همسایگان شده بود و بدون رعایت بیطری
از سه جهت قوای ییکانه در این کشور ازوع و اقسام
مداخلات را مینمود، من بار قوای حزبی خود برای نجات

اخبار مجلس

تصویب نامه

۲۶ ر.۴	شماره ۱۱۵۴۸	وزارت دارائی
		بیانیه وزیران در جلسه ۱۲۲۶ ماه ۲۲۶ ر.۴
		بر اثر بیشنهاد شماره ۹۱۸۰ مورخه ۲۰ ر.۴
		وزارت کشاورزی تصویب نمودند ماشین آلات کشاورزی و موتور تلبیه هاییکه در اثر تصویب‌نامه مورخ ۲۶ ر.۴ - ۶۱۸ از پرداخت هواض کمر کی معاف میگردد بهای فروش آنها با نظر وزارت کشاورزی تعیین و باطلاع عموم بر سر . تصویب‌نامه در دفتر نخست وزیر است .
۲۹۴۵-م		از طرف نخست وزیر

کشور راجع بصدقه علیه مطرح پس از مذاکرات مفصلی که بعمل آمد آفایان نرافی -- دادرور -- کشاورز صدر -- دکتر بقائی انتخاب شدند که برونده انتخابات اصفهان و شکایات واصله را رسیدگی و گزارش به شعبه اول تسلیم نمایند و جلسه خاتمه یافت .

روز دوشنبه نهم شهریور آفایان محمود محدود معینزاده - مسعود ناتپی - مهندس رضوی - نیک یور - حاذقی که برای استغراج آراء کمیته‌بونها انتخاب شده بودند قبل از ظهر تشکیل جلسه داده و قسمتی از آراء کمیته‌بونها استغراج و بقیه آن موکول قبل از ظهر روز جهار شنبه گردید .

نخست وزیر کمیته‌بونها شعبه بارانی

رئیسه خود را بقرار زیر انتخاب نمود . آفای آفاید هاشم و کبیل رئیس « اکبر نایب رئیس » حاذقی مخبر « مهدی ارباب منشی و جلسه آنچه بروز شنبه صبح موکول گردید . رئیس اداره کمیته‌بونها

❀❀❀

دومین جلسه کمیته‌بون عرایض و مرخصی مجلس شورای ملی ساعت ۹ صبح امروز ۱ شنبه ۲۶ ر.۴ (۱۲۲۶) از آفایان زیر تشکیل :

آفای سیده‌اشم و کبیل رئیس « حسن اکبر نایب رئیس » حاذقی مخبر « مهدی ارباب منشی » برزین عضو « نورالدین امامی عضو و نسبت بعرايض و شکایات متظلمین مذاکرات لازمه بعمل آورده برای تسریع و حسن ریان امر تصمیمات مقتضیه اتخاذ و جلسه آینده به صبح روز یک شنبه موکول گردید .

❀❀❀

روز دوشنبه ۹ شهریور ۱۲۲۶ دو ساعت قبل از ظهر شبیه اول بریاست آفای یمین اسفندیاری تشکیل بدوای بردنده انتخابات بهم و نمایندگی آفای علی اکبر سالار بهزادی رسیدگی بعمل آمده است چون شکایتی نرسیده بود بصرحت نمایندگی آفای سالار بهزادی رأی گرفته تصویب شد .

پس بردنده انتخابات اصفهان و باسیع وزارت

رونوشت دو قره تلگراف که بر حسب تصریم جلسه ۲۶ ر.۴ مجلس شورای ملی بکشورهای پاکستان و هندوستان مخابره شده است : مجلس مؤسسان پاکستان کراجی در این موقع که با تأییدات خداوند متعال و بر اثر فدائکاری و مجاہدت مسلمانان محترم پاکستان استقلال کشور دوست و همکیش ماهملی گردیده است مراتب مرت قلبی خود را اعلام و خواهشمند تبریکات صمیمانه وادعه خالصانه مجلس شورای ملی ایران واین جانب را بمناسبت اعلام استقلال کشور اسلامی پاکستان بینزیرید از خداوند متعال سعادت و توفیق ملت نجیب پاکستان و عظمت هموم ملل اسلامی را مسئلت دارم .

رئیس مجلس شورای ملی ایران رضا حکمت مجلس مؤسسان ایندیا دهلی

بمناسبت اعلام استقلال دولت هندوستان که بر اثر فدائکاری و مجاہدت ملت نجیب هند ملی گردیده است مراتب مرت قلبی خود را اظهار و خواهشمند تبریکات صمیمانه وادعه خالصانه مجلس شورای ملی ایران واین جانب را بینزیرید سعادت و موفقیت هموم ملت نجیب هندوستان را از خداوند متعال خواستارم رئیس مجلس شورای ملی ایران - رضا حکمت

❀❀❀

روز پنجشنبه ۹ شهریور ۳۲۶ ساعت دوازده کمیته‌بون عرایض و مرخصی تشکیل گردید و هشت